

Comparing of Effective Factors in Student Recruitment in Nonprofit Higher Education Subsystem for 2025 Vision of Iran

A. Goldasteh^{1*}, M. Abolqasemi²,

M. Farasatkah³, K. Fathi Vajargah⁴

1- PhD candidate in Higher education , Shahid Beheshti university, Tehran, Iran

2- Associate Professor in education management, faculty of education & psychology, Shahid Beheshti university, Tehran, Iran

3- Associate Professor in Higher education, higher education research & planning institute, Tehran, Iran

4- Professor in Curriculum planning, faculty of education & psychology, Shahid Beheshti university, Tehran, Iran

Abstract

Recruitment of students in recent years shows a semi-rapid decline trend in Iranian higher education system. Cause of lack of governmental budget, this situation is critical for nonprofit higher education institutes. It seems these institutes gradually fade if such conditions to be continued , so determination of effective factor in student recruitment has particular importance in future of these institutes .

In this study a mixed method of research was used for identification and evaluation of effective factors in student recruitment for 10 years ahead.

In the qualitative section, Semi structured interviews were conducted with key informants in nonprofit universities in Iran. Interviews continued to reach theoretical saturation in main categories. Also environmental scanning of these universities

during the last decade was used based on archived & documented information (including manuscripts, laws, regulations,...) Results showed that, uncertain factors were classified to four main levels as follows: International (5 categories & 16 sub categories), national (10 categories & 29 sub categories), higher education sectors (5 categories & 30 sub categories) and finally institutional level (6 categories & 34 sub categories).

In quantitative section, key informant respondents (including 28 policy makers & 43 beneficiaries) had ranked mentioned levels by evaluation of their importance & uncertainty of 103 sub factors via a questionnaire including a 10 points scale system.

Results showed that, there was no significant difference between two group of respondents about values of importance of 4 main levels of factors ($p > 0.05$). Also policy makers responses showed that national level had the main uncertainty, but beneficiaries' responses showed that higher education sector level had the main uncertainty.

Keywords: Nonprofit higher education subsystem, 2025 vision of Iranian national document, higher education policy making, higher education beneficiaries

* Corresponding author: A_Goldasteh@sbu.ac.ir

بررسی مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر جذب دانشجو توسط خرده‌نظام آموزش عالی غیرانتفاعی کشور در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴

اکبر گلداسته^{۱*}، محمود ابوالقاسمی^۲، مقصود فراستخواه^۳، کوروش فتحی واجارگاه^۴

- ۱- دانشجوی دکتری آموزش عالی، دانشگاه شهید بهشتی
- ۲- دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی
- ۳- دانشیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
- ۴- استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

در این مقاله، عوامل مؤثر بر جذب دانشجو توسط مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی به استناد دیدگاه‌های ذینفعان و سیاستگذاران این خرده‌نظام از دو جنبه میزان اهمیت و عدم قطعیت رخداد آنها طی افق زمانی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. به این منظور، روش پژوهش آمیخته شامل اجرا و تحلیل مصاحبه‌های نیمه سازمان‌یافته با صاحب‌بنظران حوزه آموزش عالی غیرانتفاعی (در بخش کیفی) و جمع‌آوری و تحلیل نظرات ذینفعان و سیاستگذاران در قالب پرسشنامه تهیه شده از نتایج تحلیل کیفی (در بخش کمی)، اجرا شده است. در بخش کیفی ۱۰۳ عامل (خرده‌مقوله) در ۴ سطح کلی بین‌المللی، ملی، نظام آموزش عالی کشور و نظام درونی این مؤسسات شناسایی شدند. نتایج بخش کمی نشان داد که بنا بر دیدگاه هر دو گروه ذینفعان و سیاستگذاران، کیفیت آموزشی مؤسسات غیرانتفاعی و رتبه و اعتبار آنها طی ده سال آینده به عنوان مهم‌ترین عامل جذب دانشجو توسط آنها مطرح خواهد بود. به علاوه، از دیدگاه ذینفعان، وضعیت بودجه تخصیصی به دانشگاه‌های دولتی و وضعیت دانشگاه آزاد اسلامی، دارای بیشترین عدم قطعیت بوده‌اند. سیاستگذاران نیز، وضعیت بازار کار و اشتغال در کشور و رقابت جریان‌های سیاسی طی ده سال آینده را به عنوان عواملی با بیشترین عدم قطعیت تلقی کرده‌اند. آزمون‌های آماری نشان داده‌اند که بین نظرات ذینفعان و سیاستگذاران در سطوح ۴گانه کلی مورد اشاره در بالا، تفاوت معنی‌داری به جهت میزان اهمیت عوامل وجود نداشته است لیکن سیاستگذاران، بیشترین عوامل دارای عدم قطعیت را در سطوح ملی؛ و ذینفعان، این عوامل نایقین را ذیل سطح نظام آموزش عالی کشور ارائه نموده‌اند.

کلیدواژه‌ها: خرده‌نظام آموزش عالی غیرانتفاعی، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، سیاستگذاری آموزش عالی، ذینفعان آموزش عالی، پژوهش آمیخته

۱- مقدمه

حساسیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود چرا که این مؤسسات، از حمایت‌های مالی دولتی برخوردار نبوده و شدیداً به شهریه دریافتی از دانشجویان متکی هستند. امروزه راهبرد انتخابی اکثر کشورها جهت پاسخگویی به تقاضای آموزش عالی به دلیل افزایش تقاضا و کاهش هم‌زمان منابع مالی مورد نیاز جهت تأمین هزینه‌ها، حرکت به سمت خصوصی‌سازی آموزش عالی بوده است. در ایران نیز مشابه این روند، در اسناد بالادستی کشور مانند سند چشم‌انداز

گسترش نامتوازن مؤسسات پذیرنده دانشجو در تمامی خرده‌نظام‌های آموزش عالی کشور و افزایش بی‌رویه ظرفیت پذیرش طی سال‌های گذشته هم‌زمان با روند نزولی تعداد متقاضیان آموزش عالی، فضای رقابت بین مؤسسات مذکور را دستخوش تغییرات اساسی نموده و در این فضای رقابتی، جذب دانشجو توسط مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی از

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: A_Goldasteh@sbu.ac.ir

در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲، بخش غیردولتی آموزش عالی (شامل دانشگاه آزاد اسلامی و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی) سهمی ۴۵ درصدی از ثبت‌نام دانشجویان؛ و خرده‌نظام آموزش عالی غیرانتفاعی کشور، سهمی ۱۱ درصدی از کل ثبت‌نام‌های دانشجویان را داشته است [۶]. این سهم طی دو سال اخیر کاهشی جزئی داشته اما تعداد دانشجویان ثبت‌نام شده در این خرده‌نظام، به طور قابل توجهی رو به کاهش گذاشته است. اطلاعات اتحادیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی کشور نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۳ حدود ۷۰٪ و در سال ۱۳۹۴ حدود ۸۰٪ ظرفیت اسمی این مجموعه خالی مانده است [۷ و ۸]. لازم به ذکر است که علاوه بر کاهش تقاضا، کیفیت آموزشی نامناسب اینگونه مؤسسات نیز یکی از دلایل بروز وضعیت فعلی است. در همین حال، بررسی‌ها نشان می‌دهند دانشگاه‌های دولتی کشور نیز به‌رغم امکان ارائه آموزش عالی رایگان به بخش قابل توجهی از داوطلبان پذیرفته‌شده، با پذیرش دانشجوی شهریه‌پرداز، تأسیس پردیس‌های خودگردان و گسترش رشته‌های تحصیلی این پردیس‌ها و ...، از امکانات و ظرفیت‌های دانشگاهی خود بیش از حد بهره برده‌اند. روشن [۹] در پژوهش خود، ضمن تعیین ظرفیت بهینه پذیرش دانشجوی در دانشگاه‌های دولتی کشور، نشان داده که این نوع دانشگاه‌ها به طور متوسط ۲/۷ برابر ظرفیت واقعی خود دانشجوی می‌پذیرند که این وضعیت به نوبه خود آسیب‌های آموزشی فراوانی را به همراه داشته است.

افزایش بی‌رویه ظرفیت پذیرش دانشجوی در سایر خرده‌نظام‌های آموزش عالی، ارائه تسهیلات ویژه جهت جذب، جابجایی و انتقال دانشجویان در برخی خرده‌نظام‌ها، افزایش قابل توجه هزینه‌های جاری مؤسسات، محدودیت در افزایش شهریه و نرخ خدمات جانبی ارائه‌شده به دانشجویان و ...، آینده نامطمئنی را پیش روی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی قرار داده و انتظار می‌رود با تداوم روند کنونی، حجم تقاضای آموزش عالی در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ و وضعیت کیفی نامناسب آنها، این گونه مؤسسات به تدریج از چرخه آموزش عالی کشور حذف شوند.

تعداد متقاضیان ورود به آموزش عالی کشور که در گذشته‌ای نه چندان دور، اصلی‌ترین زمینه گسترش مؤسسات آموزش

۱۴۰۴، نقشه جامع علمی و همچنین برنامه پنج‌ساله توسعه کشور، به منظور پاسخگویی به تقاضای آموزش عالی راهبردهایی مصوب گردیده که به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

- صدور مجوز برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی دولتی جهت جذب دانشجویی مازاد بر سهمیه آموزش رایگان و ایجاد ظرفیت‌های جدید در این خصوص با دریافت هزینه‌های تحصیلی از دانشجویان [۱]
- حمایت از شکل‌گیری و توسعه مؤسسات آموزش عالی غیردولتی، مبتنی بر اهداف و ارزش‌های نقشه جامع علمی کشور [۲]
- افزایش مقدار ناخالص ثبت‌نام در آموزش عالی برای سنین ۲۴-۱۸ سال به ۶۰٪ [۳]
- توانمندسازی بخش غیردولتی جهت مشارکت در تولید علم و فناوری [۱]

از نگاه آسیب‌شناسانه، این سیاست‌ها منجر به کاهش کیفی سطح آموزش عالی کشور در دانشگاه‌های دولتی، کم‌سودای دانشجویان و همچنین افزایش نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی شده است. روی دیگر مسأله پاسخ به تقاضای آموزش عالی، میزان عرضه یا ظرفیت ارائه‌شده برای متقاضیان در نظام عرضه‌محور آموزش عالی ایران است. آخرین اطلاعات مربوط به برگزاری آزمون سراسری ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور نشان می‌دهد نسبت ظرفیت ایجادشده در بخش آموزش عالی به تعداد داوطلبان آموزش عالی در کشور، بیش از یک است که بخش قابل توجهی از این ظرفیت مربوط به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی است [۴]. افزایش بی‌رویه ظرفیت مراکز آموزش عالی کشور علاوه بر آن که فضای رقابتی پیشین برای ورود به آموزش عالی کشور را از بین برده، با منافع ملی نیز هم‌راستا نیست.

پیش‌بینی‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که تعداد داوطلبان آموزش عالی در مقطع کارشناسی در افق ۱۴۰۴ سیر نزولی خواهد داشت. همچنین میزان داوطلبان ورود به مقطع کارشناسی‌ارشد تا سال ۱۳۹۳ روندی صعودی و پس از آن روند نزولی داشته و در افق ۱۴۰۴ به سطح سال ۱۳۹۱ باز می‌گردد [۵].

به نظر می‌رسد با دیدگاه انتفاعی موجود در مدیریت آنها مغایرت داشته باشد.

مقایسه این عوامل بین دو گروه ذینفعان و سیاستگذاران، می‌تواند فاصله بین تصورات ذینفعان و الزامات و انتظارات سیاستگذاران در این زمینه را روشن کند. از سوی دیگر شناسایی و تحلیل این تفاوت‌ها می‌تواند راهکارهای ممکن برای تغییر وضعیت موجود (ناشی از کاهش هم‌زمان کیفیت آموزش عالی و همچنین تقاضای ورود به آموزش عالی در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴) را برای هر دو گروه روشن سازد.

۲- پیشینه پژوهش

چکه‌رول^۱ [۱۰] در بررسی نظام آموزش عالی ترکیه با بررسی نظرات ۶۶۹۵۳ دانشجوی وارد شده به نظام آموزش عالی آزاد ترکیه طی سال تحصیلی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ دلایل جذب آنها به این نظام را پرسیده و نتیجه گرفته که مهمترین دلیل آنها، کسب مزایای حاصل از اخذ مدرک دانشگاهی بوده است.

برک‌میر^۲ و ویگر^۳ اثر برقراری شهریه در برخی دانشگاه‌های دولتی ایالت‌های آلمان (از سال ۲۰۰۵ به بعد) را بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که این مسأله تأثیری بر میزان جذب دانشجویان در دانشگاه‌ها نداشته است [۱۱]. البته به نظر می‌رسد نسبت افزایش شهریه‌ها به سطح درآمدهای عمومی در این کشور، به میزانی بوده که تأثیری بر جذب دانشجویان نداشته اما این وضعیت در سایر کشورها عمومیت ندارد.

لوی^۴ دستیابی به آموزش عالی خصوصی در هند را مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته که روند رشد آموزش عالی خصوصی در هند بسیار چشمگیر است و بیشتر دانشگاه‌هایی از این نوع در هند صرفاً وظیفه پاسخ به تقاضاهای روزافزون آموزش عالی را بر عهده دارند و در سیاستگذاری‌ها نقشی ندارند [۱۲]. وضعیت مورد اشاره در این بررسی، با وضعیت گسترش مؤسسات آموزش عالی غیردولتی در ایران طی دوره رشد تقاضای اجتماعی آموزش عالی (سال‌های دهه ۸۰) مشابه است.

عالی غیرانتفاعی را فراهم می‌نمود اکنون از میان رفته است. در واقع یکی از مهمترین دلایل سیاستگذاران پیشین آموزش عالی کشور در توجیه گسترش تعداد این گونه مؤسسات، همین عامل بوده است. مؤسسين این واحدهای غیرانتفاعی و برخی سیاستگذاران و مجریان آموزش عالی کشور، این وضعیت را یک فرصت و برخی دیگر، آن را یک تهدید دانسته‌اند. بدیهی است تقسیم‌بندی این وضعیت‌ها به فرصت و تهدید، نسبی بوده و در شرایط زمانی متفاوت ثبات نخواهد داشت. به عنوان نمونه افزایش بی‌رویه و بدون کیفیت مؤسسات آموزش عالی (به ویژه در خرده‌نظام غیرانتفاعی) که در پاسخ به تقاضای اجتماعی-اقتصادی موجود در یک مقطع زمانی خاص بوده اکنون به معضلی جدی برای آموزش عالی کشور تبدیل شده است.

با شناسایی عوامل مؤثر بر جذب دانشجویان در مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی طی ده سال آینده می‌توان سنجش واقع‌بینانه‌تری از شرایط فعالیت اینگونه مؤسسات آموزش عالی کشور در آینده داشت. سیاستگذاران و ذینفعان، دو گروه عمده مؤثر در شناسایی این عوامل و مکمل یکدیگر در پیاده‌سازی سیاست‌های مناسب این حوزه هستند. ذینفعان خرده‌نظام آموزش عالی غیرانتفاعی، بقاء خود در چرخه آموزش عالی را در جذب بیشتر دانشجویان و امکان رقابت با سایر ذینفعان آموزش عالی کشور می‌دانند. بدیهی است که شکل‌گیری الزامات این رقابت و رعایت قواعد آن، منوط به بهبود وضعیت عواملی است که از سوی ذینفعان در این موضوع تأثیرگذار تلقی می‌شوند. آنها می‌توانند با تقویت وضعیت این عوامل در برنامه‌ریزی‌های راهبردی و عملیاتی خود، امکان تداوم فعالیت‌های خود در نظام آموزش عالی کشور را فراهم کنند. از سوی دیگر سیاستگذاران، با اعمال سیاست‌ها و برنامه‌های خود در نظام آموزش عالی کشور (در قالب عواملی که وجود آنها را برای ادامه جذب دانشجویان در این گونه مؤسسات مؤثر تلقی می‌کنند)، روند جذب دانشجویان در این نوع مؤسسات را با تدوین سیاست‌های نظارتی، ارزیابی بیرونی و اعمال نظام رتبه‌بندی دقیق شکل داده و آن را هدایت می‌کنند که انتظار می‌رود به رشد کیفی این نوع مؤسسات کمک کند. البته دستیابی به این مهم نیاز به سرمایه‌گذاری فراوان از سوی مؤسسات مورد اشاره دارد که

1- Cekerol
2- Bruckmeier
3- Wigger
4- Levy

خارجی می‌توان به حمایت دولت از گسترش این بخش، کمک‌های بودجه‌ای مستقیم و غیرمستقیم، اعطاء وام‌های دانشجویی، کمک‌های پژوهشی و توسعه زیرساخت اشاره داشت. عوامل داخلی مورد توجه نیز عبارت بوده‌اند از: ارتقاء کیفیت آموزشی، تبلیغات مناسب، استخدام اعضای هیأت علمی کارآمد، افزایش رضایت دانشجویان، توجه به نیاز بازار و تقویت مکانیزم‌های اجرایی برنامه‌ها در سطح دانشگاه [۱۶].

جالب توجه است بدانیم به‌رغم آنکه عوامل خارجی و داخلی مورد اشاره در این پژوهش در نظام آموزش عالی ایران وجود ندارد اما همچنان با گسترش فعالیت بخش خصوصی آموزش عالی در سال‌های قبل مواجه بوده‌ایم.

هولزاکر^۴ و همکاران [۱۷]، فرآیند و روند خصوصی‌سازی آموزش عالی را در کشورهای خود (برزیل، اوکراین، هلند و مغولستان) بررسی کرده‌اند. سؤال اصلی بررسی آنها، چگونگی برخورد دولت‌ها با نظم‌بخشی و قانونمند نمودن آموزش عالی خصوصی بوده است. نتایج بررسی‌ها نشان داده که دولت‌های برزیل و اوکراین قانونمند نمودن خصوصی‌سازی آموزش عالی را پی‌گرفته‌اند؛ هلند مسأله را به خود مؤسسات آموزش عالی سپرده و کشور مغولستان هم مسأله را به خود بازار و تقابل عرضه و تقاضا واگذار نموده است. نویسندگان مزبور نتیجه گرفته‌اند که در کشورهای توسعه‌یافته، قانونمند نمودن نقش دانشگاه‌های خصوصی مسأله‌ای چندان پررنگ نیست.

ساگررا^۵ وضعیت دانشگاه‌های حوزه آمریکای لاتین و دریای کارائیب و چالش‌های پیش‌روی بخش خصوصی این کشورها در آموزش عالی را بررسی نموده و نتیجه گرفته که روند خصوصی‌سازی در آمریکای شمالی، جنوبی و حوزه کارائیب، آسیا و شرق اروپا مشتاقانه و با شتاب رو به افزایش است اما خصوصی‌سازی آموزش عالی در آفریقا و اروپای غربی به دلیل حمایت دولت‌ها رشدی نخواهد داشت [۱۸].

دوین^۶ در بررسی روند گسترش آموزش عالی غیردولتی در چین با توجه به رشد تقاضای آموزش عالی، نتیجه گرفته که آموزش عالی غیردولتی در چین باید بیش از پیش گسترش یابد [۱۹]. در ایران با توجه به کاهش تقاضای آموزش عالی، منطقی است که رشد آموزش عالی خصوصی باید متوقف

آبوت^۱ آموزش عالی خصوصی در نیوزلند و روند آن را از اولین سال تأسیس این نوع دانشگاه‌ها (۱۹۸۹) تا سال ۲۰۰۳ بررسی کرده و نشان داده که سهم آموزش عالی خصوصی در انتهای دوره زمانی مذکور به ۸٪ رسیده است. این بخش در رشته‌های محدودی مانند مدیریت، بازرگانی و فناوری اطلاعات فعال بوده است [۱۳].

رابوسی^۲ دانشگاه‌های دولتی و خصوصی آرژانتین را از حیث روند جذب دانشجوی در آنها طی سال ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۶ مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته که سهم آموزش عالی خصوصی از ۱۰٪ در سال ۱۹۷۵ به حدود ۱۸٪ در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است. وی دو دلیل عمده این شتاب‌گند در افزایش را هزینه بالا و فقدان تقاضای قوی برای ورود به آموزش عالی برشمرده است. همچنین، وی تفاوت میزان اشتغال دانشجویان رشته‌های مختلف را در استقبال از این نوع دانشگاه‌ها بی‌تأثیر نمی‌داند [۱۴].

پاچاشویلی^۳ در بررسی روند آموزش عالی خصوصی در گرجستان بر اساس آمار منتهی به سال ۲۰۰۶ میلادی به این نتیجه رسیده که آموزش عالی خصوصی در این کشور سیری نزولی داشته و به ۲۰٪ کل دانشجویان کاهش یافته است. در عین حال، وی گزارش نموده که درصد دانشجویان دانشگاه‌های دولتی که شهریه پرداخت می‌کنند افزایش یافته و به ۴۸٪ کل دانشجویان این نوع دانشگاه‌ها رسیده است [۱۵].

این شرایط با رشد درصد دانشجویان شهریه‌پرداز در نظام آموزش عالی ایران همخوانی دارد.

جمشیدی و همکاران، توسعه خصوصی‌سازی در آموزش عالی ۳ کشور در حال توسعه مالزی، اندونزی و کنیا را با رویکرد چگونگی پاسخ به تقاضاهای روزافزون آموزش عالی بررسی نموده‌اند. آمار سال ۲۰۱۱ این کشورها نشان می‌دهد در کنیا ۱۱٪، در اندونزی ۱۷٪ و در مالزی ۵۱٪ تقاضای آموزش عالی توسط دانشگاه‌های خصوصی پاسخ داده می‌شود. دلیل اصلی وجود این نرخ پاسخگویی، عدم پاسخگویی مناسب بخش دولتی عنوان شده است. همچنین عوامل مهم رشد پاسخگویی در بخش خصوصی به دو دسته خارجی و داخلی تقسیم شده است. در بُعد عوامل حمایتی

4- Holzacker
5- Sagrera
6- Dewin

1- Abbott
2- Rabossi
3- Puchashuili

عالی و نبود یک سیاست مشخص در برابر این مؤسسات را به عنوان تهدیدهای پیش‌روی آنها دانسته است [۲۳]. شرایط موجود آموزش عالی کشور نشان می‌دهد در حال حاضر، فرصت‌های مورد اشاره در این پژوهش دیگر وجود ندارند و در مقابل، کاهش کیفیت آموزشی این نوع مؤسسات به یک تهدید جدی برای حیات آنها تبدیل شده است.

پژوهش جمشیدی و همکاران [۲۴] در بیان الزامات و پیش‌بایسته‌های خرد توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی ایران، ۸ الزام خرد شامل سیاست‌گذاری و راهنمایی، قانونی، مالی و اقتصادی، آموزشی و پژوهشی، مدیریتی و سازمانی، اجتماعی و فرهنگی، زیرساختی و ارتباطی را شناسایی نموده‌اند.

آراسته و اسفندیاری ضمن بررسی خصوصی‌سازی در آموزش عالی ایران، یازده مانع موجود در این مسیر را برشمرده‌اند که کاهش متقاضیان ورود به آموزش عالی، مشکلات اقتصادی، امکانات دانشگاه‌های خصوصی و اعتبار این نوع دانشگاه‌ها در بین مردم، از مهمترین این موانع هستند [۲۵].

ربیعی و نظریان، در بیان موانع خصوصی‌سازی در آموزش عالی ایران، از دیدگاه صاحب‌نظران به شناسایی ۲۶ مانع بر سر راه خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران پرداخته‌اند که در بین آنها فقدان قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری خصوصی، پائین بودن قدرت خرید مردم و عدم توان پرداخت شهریه، وجود مشکلات ساختاری در نظام مدیریت آموزش عالی، فقدان آزادی علمی در دانشگاه‌ها و تمایل دولت به تسلط در امور فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها از بالاترین اهمیت برخوردار بوده‌اند [۲۶].

جمعیت توسعه علمی ایران در گزارشی که توسط توفیقی، فراستخواه و همکاران در زمینه بررسی، آسیب‌شناسی و طراحی الگوی مطلوب اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در توسعه آموزش عالی ایران تهیه شده، وضعیت آموزش عالی خصوصی در ایران را بسیار نامناسب توصیف کرده است. در این گزارش، دو راهبرد کلیدی برای حل این مشکل پیشنهاد شده که عبارتند از: تنوع منابع مالی دانشگاه‌های دولتی و حمایت از توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی و نظارت بر آنها از طریق استقرار استانداردها و شاخص‌ها [۲۷].

شود اما با پیگیری سیاست‌های انبساطی در افزایش ظرفیت‌ها و گسترش مراکز آموزش عالی طی دهه گذشته، در عمل رویه‌ای معکوس دنبال شده است.

لوی اعتقاد دارد کاهش در ثبت‌نام‌های بخش خصوصی آموزش عالی در سطح جهان در حال رخ‌دادن است که میزان آن در زیر بخش‌های گوناگون، متفاوت است. وی دو عامل اجتماعی و سیاسی را در این روند کاهش مؤثر می‌داند: مهمترین عامل اجتماعی، تغییرات جمعیتی و مهمترین عامل سیاسی، تنظیم مقررات و تغییرات سیاسی داخلی کشورها برشمرده شده است [۲۰]. در ایران نیز وجود این عوامل به همراه کاهش کیفیت آموزشی در کاهش تقاضای آموزش عالی از بخش خصوصی مؤثر بوده است.

کامیلری^۱ [۲۱] مقایسه‌ای بین روند تغییر شهریه دانشگاه‌های خصوصی و میانه رشد درآمد خانوارها طی دوره زمانی ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۷ انجام داده و نتیجه گرفته که رشد هزینه‌های دانشگاهی در این دوره ۳۵٪ ولی رشد میانه درآمد خانوارها تنها ۱۴۵٪ بوده است. وی نتیجه می‌گیرد که این امر سبب کاهش تقاضای ورود به آموزش عالی خصوصی شده است.

پراپامونتریپونگ^۲ آموزش عالی خصوصی در تایلند را بررسی کرده و نشان می‌دهد ۱۳٪ دانشجویان و ۴۵٪ مؤسسات آموزش عالی در تایلند، خصوصی هستند که نسبت به سال‌های ابتدایی آغاز آموزش عالی خصوصی در این کشور رشد مناسبی داشته است [۲۲].

اسدی و همکاران، در تجزیه و تحلیل وضعیت راهبردی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی در ایران، فهرستی از فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی این مجموعه‌ها را ارائه نموده‌اند. آنها "زیاد بودن متقاضیان آموزش عالی" را یکی از این فرصت‌ها دانسته‌اند. همچنین حمایت دولت از این‌گونه مؤسسات (با عنوان سیاست توسعه کمی) و استقرار دانشگاه‌ها و مؤسسات غیرانتفاعی در نزدیکی مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ را هم یک فرصت به شمار آورده‌اند. در نقطه مقابل هم پژوهش مذکور، میزان شهریه، صدور مجوزهای بی‌رویه برای توسعه و تأسیس مؤسسات، سیاست‌های انبساطی مربوط به جذب دانشجو در خرده‌نظام‌های آموزش

مطرح شده‌اند. بخش دیگری از پرسش‌ها نیز با مطالعه اسناد بالادستی مرتبط با نظام آموزش عالی کشور (مانند نقشه جامع علمی، برنامه پنجم توسعه و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴) تدوین شده‌اند. نمونه‌های منتخب بخش کیفی با ترکیب روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و زنجیره‌ای انتخاب شده‌اند [۲۸]. جدول ۱، مشخصات مصاحبه‌شوندگان منتخب را نشان می‌دهد.

جدول ۱) مشخصات مطلعین کلیدی حوزه آموزش عالی که با آنها مصاحبه شده است

ردیف	محل خدمت	سمت اجرایی	تعداد افراد
۱	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	معاون دفتر	۳
۲	دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی	استاد برجسته آموزش عالی	۲
۳	دانشگاه‌های غیردولتی غیرانتفاعی	رئیس	۲
۴	دانشگاه‌های غیردولتی غیرانتفاعی	معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی	۵
۵	دانشگاه‌های غیردولتی غیرانتفاعی	عضو هیئت امنا (مؤسس)	۲
۶	مؤسسات و مراکز پژوهشی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	معاون	۲
۷	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	مدیران پیشین حوزه آموزشی	۲
۸	سایر خردنظام‌های آموزش عالی غیردولتی	رئیس واحد	۱
۹	دانشگاه‌های جامع دولتی	رئیس	۱
۲۰	جمع	-	

پس از شناسایی و کدگذاری عوامل مؤثر بر اساس مصاحبه‌های انجام‌گرفته، این عوامل به تفکیک سطوح و ابعاد موجود در قالب یک پرسشنامه و به منظور ارزش‌گذاری درجه اهمیت و نایقینی (عدم قطعیت) عوامل بر حسب مقیاسی عددی شامل اعداد ۱ تا ۱۰ به پاسخگویان منتخب ارائه شدند. انتخاب عدد کوچکتر در ویژگی اول مورد ارزش‌گذاری به معنای اهمیت کمتر آن عامل و در ویژگی دوم به معنای عدم قطعیت (ابهام) کمتر عامل (روشن‌تر بودن

جمع‌بندی پژوهش‌های فوق، نشان می‌دهد که عواملی مانند حمایت‌های دولتی، توان مالی خانواده‌ها، همچنین نوع و جذابیت رشته‌های تحصیلی در گسترش خصوصی‌سازی آموزش عالی در جهان مؤثر است در حالی که در ایران خردنظام آموزش عالی غیرانتفاعی به عنوان بخش مهمی از آموزش عالی خصوصی با موانع ساختاری، کیفی و توسعه‌ای مواجه است. البته لازم به ذکر است که پژوهش‌های انجام‌گرفته در کشور، بیشتر بر موانع و محدودیت‌های آموزش عالی خصوصی تأکید نموده‌اند تا موفقیت‌ها و دستاوردهای مثبت آن.

۳- روش پژوهش

روش انجام این پژوهش، روش آمیخته (ترکیبی) است. ابتدا در بخش کیفی با انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته^۱ با مطلعین کلیدی در زمینه خردنظام آموزش عالی غیرانتفاعی و با استفاده از تحلیل محتوایی نظرات آنان به روش کدگذاری باز، فهرست عوامل مؤثر بر جذب دانشجوی در این خردنظام تعیین شده است. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری (با انجام ۲۰ مصاحبه) ادامه یافته‌اند. سؤالات و محورهای اصلی مصاحبه در قالب ۸ محور و مشتمل بر ۳۳ سؤال تنظیم شده بودند. برای تدوین سؤالات پژوهش، ابتدا پویش محیطی آموزش عالی غیرانتفاعی غیردولتی کشور انجام شده است. به این منظور تحولات این خردنظام آموزش عالی کشور، طی ده سال گذشته و وضعیت موجود آن بررسی و تحلیل شده است. ابزارهای مورد استفاده در این بخش، اسناد الکترونیکی، آئین‌نامه‌ها، قوانین و مصوبات حوزه آموزش عالی در ارتباط با خردنظام غیرانتفاعی و همچنین بررسی‌های آسیب‌شناسانه نظام آموزش عالی خصوصی در ایران بوده است. روندهای جمعیتی جاری کشور، به ویژه روند تغییر جمعیت متقاضیان ورود به آموزش عالی کشور در سنین ۲۴-۱۸ سال، روند تعداد شرکت‌کنندگان در آزمون‌های سراسری در مقاطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی نیز بررسی شده‌اند. در مورد مسائل محتوایی مانند کیفیت، نظارت و ارزیابی نیز سؤالاتی

۱- مصاحبه نیمه ساختاریافته، متشکل از یک سری سؤالات منسجم است که برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر و موثکافی عمیق‌تر موضوع مورد مصاحبه به کار می‌رود و در آن از سؤالات باز پاسخ نیز استفاده می‌گردد [۲۸].

۴- یافته‌ها

۴-۱ بخش کیفی

با استفاده از روش کدگذاری باز [۲۹]، مقوله‌های اصلی (سطوح)، فرعی (ابعاد) و خرده‌مقوله‌های (عوامل) مؤثر بر جذب دانشجو در مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ در چهار سطح (مقوله اصلی) بین‌المللی، ملی، نظام آموزش عالی کشور و درونی تقسیم‌بندی شده‌اند.

عوامل سطح بین‌المللی (مانند ورود مؤسسات چندملیتی به آموزش عالی، مسائل زیست‌محیطی و ...) به عواملی اشاره دارند که در نظام‌های آموزش عالی در سطح جهان در حال بروز هستند و روند آینده تغییرات آموزش عالی را شکل می‌دهند (جدول ۳). صاحب‌نظران در نظرات خود بیان کرده‌اند که این عوامل و تغییرات ناشی از رخداد آنها با تأخیری چند ساله به ساختارهای آموزش عالی ایران هم نفوذ خواهند کرد.

عوامل سطح ملی (مانند میزان مهاجرت به خارج از کشور، وضعیت بازار کار و اشتغال در کشور و ...)، عوامل خارج از نظام آموزش عالی کشور و در سطح ملی هستند و توسط سیاست‌گذاری‌های سطوح بالاتر (مانند مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام یا شورای عالی انقلاب فرهنگی و ...) تعیین شده یا تغییرات آنها ناشی از روندهای کلی حرکت بخش‌های مختلفی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر نظام آموزش عالی کشور تأثیرگذار هستند (جدول ۴).

عوامل سطح نظام آموزش عالی (مانند تغییر در شیوه تخصیص بودجه به مؤسسات آموزش عالی دولتی، تغییر در سیاست‌های گسترش آموزش عالی و ...)، حاصل سیاست‌های خرد اعمال‌شده در نظام آموزش عالی کشور بوده و خارج از کنترل دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور (و از جمله مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی) هستند اما به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر مسأله جذب دانشجو در مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی تأثیر می‌گذارند (جدول ۵).

عوامل سطح درونی (مانند کیفیت آموزشی، رتبه و اعتبار مؤسسه و ...)، حاصل چگونگی عملکرد، اجرای سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی در داخل مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی بوده کاملاً تحت کنترل مؤسسات مذکور هستند و عمدتاً به طور مستقیم بر موفقیت یا عدم موفقیت آنان در جذب دانشجو تأثیر می‌گذارند (جدول ۶).

وضعیت آن در موضوع جذب دانشجو در دانشگاه‌های غیرانتفاعی طی ده سال آینده است.

به منظور انتخاب نمونه‌های بخش کمی، پاسخگویان به دو طبقه (گروه) ذینفعان و سیاستگذاران تقسیم‌بندی شده‌اند. جامعه آماری سیاستگذاران شامل مدیران ستادی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سازمان‌های وابسته، اعضای کمیسیون‌ها و شوراهای تخصصی مرتبط با آموزش عالی در وزارت علوم، مجلس شورای اسلامی و شورای انقلاب فرهنگی بوده‌اند. همچنین جامعه آماری ذینفعان را رؤسا، معاونین آموزشی و تحصیلات تکمیلی و اعضای هیأت‌های امانت مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی تشکیل داده‌اند. حجم نمونه لازم با استفاده از جداول استاندارد و برای خطای برآورد ۱۰٪، عدد ۸۵ تعیین شد که با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب با حجم، به ترتیب به تعداد ۵۱ و ۳۴ نمونه بین ذینفعان و سیاستگذاران توزیع شد. در نهایت ۷۱ پرسشنامه (نرخ پاسخگویی ۸۴٪) از ۲۸ نفر از سیاستگذاران و ۴۳ نفر از ذینفعان جمع‌آوری و تحلیل گردید.

۳-۱ پایایی و روایی پرسشنامه

روایی محتوایی پرسشنامه به دلیل طراحی آن بر اساس نظرات ۲۰ نفر از صاحب‌نظران آموزش عالی کشور و اعمال دقیق نظرات آنان در طراحی پرسشنامه و تأیید نهایی آن توسط ۴ نفر از خبرگان آموزش عالی، قابل دفاع می‌باشد. ضریب پایایی پرسشنامه به تفکیک ذینفعان و صاحب‌نظران و همچنین کل پاسخگویان برای هر دو ویژگی مدنظر محاسبه شده که نتایج آن به قرار جدول ۲ است.

جدول ۲) ارزیابی پایایی پرسشنامه به تفکیک گروه پاسخگویان و نوع

ویژگی

ردیف	ویژگی	گروه پاسخگویان	ضریب پایایی
۱	میزان اهمیت عوامل	ذینفعان	۰/۹۷۷
		سیاستگذاران	۰/۹۵۲
۲	میزان نایقینی عوامل	ذینفعان	۰/۹۹۱
		سیاستگذاران	۰/۹۷۴

برای مقایسه دیدگاه‌های دو گروه پاسخگو در زمینه‌های مختلف و تحلیل نظرات آنان، از آزمون‌های T مستقل، T زوجی و آزمون اندازه‌گیری مکرر استفاده شده است.

بررسی مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر جذب دانشجوی توسط خرده‌نظام آموزش عالی غیرانتفاعی کشور در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴

جدول ۳) عوامل سطح اول (بین‌المللی) مؤثر بر جذب دانشجوی توسط خرده‌نظام غیرانتفاعی طی دوره زمانی افق ۱۴۰۴

ردیف	بُعد عامل	نام عامل
۱	اقتصادی	وضعیت اقتصاد جهانی (بروز بحران‌های اقتصادی بین‌المللی یا بهبود رشد اقتصادی کشورها)
۲		ورود مؤسسات چندملیتی و بزرگ به حوزه آموزش عالی
۳	زیست‌محیطی	مسائل زیست‌محیطی در سطح جهانی (گرم شدن زمین، آلودگی و ...)
۴	سیاستگذاری	کاهش حمایت دولت‌ها از آموزش عالی
۵		رشد پدیده جهانی شدن
۶		آموزش مادام‌العمر (افزایش سن متقاضیان آموزش عالی)
۷		لزوم حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان
۸		لزوم ایجاد دانشگاه‌های نسل سوم (کارآفرین) و نسل چهارم
۹		توجه بیشتر به تقاضاهای ذینفعان آموزش عالی و نیازهای بازار کار
۱۰		تغییر انگاره‌های آموزش عالی، چندرشته‌ای شدن علوم، ادغام شاخه‌های علمی و ...
۱۱	فناوری	رشد سریع فناوری اطلاعات
۱۲		گسترش نوآوری علمی
۱۳		محو آموزش عالی سنتی و به چالش کشیده شدن موجودیت فیزیکی دانشگاه‌ها
۱۴	مدیریتی	شبکه‌ای شدن دانشگاه‌ها
۱۵		رعایت اصل مشتری‌مداری در دانشگاه‌ها و تقویت بازاریابی علمی
۱۶		حفظ و گسترش قدرت دانشگاه و تقاضای مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌ها

جدول ۴) عوامل سطح دوم (ملی) مؤثر بر جذب دانشجوی توسط خرده‌نظام غیرانتفاعی طی دوره زمانی افق ۱۴۰۴

ردیف	بُعد عامل	نام عامل
۱	اجتماعی	سهم زنان در آموزش عالی کشور
۲		تغییر نگرش داوطلبان و خانواده‌های آنان نسبت به آموزش عالی غیردولتی
۳		میزان مهاجرت به خارج از کشور برای ادامه تحصیل
۴		گرایش به مدرک‌گرایی در بین متقاضیان ورود به آموزش عالی
۵		وضعیت نابرابری‌های اجتماعی در کشور
۶		افزایش سن متقاضیان ورود به آموزش عالی
۷		میزان تقاضای ورود به آموزش عالی تا مقطع کارشناسی
۸		میزان تقاضای ورود به آموزش عالی در مقاطع تحصیلات تکمیلی
۹		وضعیت ارتباط دانشگاه و ذینفعان آموزش عالی (صنعت، جامعه، دولت و ...)
۱۰		نوع انتظارات ذینفعان از آموزش عالی
۱۱	اقتصادی	وضعیت اقتصادی کشور
۱۲		وضعیت بازار کار و اشتغال کشور
۱۳		حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش آموزش عالی غیردولتی کشور
۱۴		میزان سودآوری آموزش عالی برای بخش خصوصی
۱۵	بین‌المللی	وضعیت همکاری‌های بین‌المللی در حوزه آموزش عالی بین دانشگاه‌های ایران و سایر کشورها
۱۶		تقاضای داوطلبان خارجی برای ورود به آموزش عالی ایران
۱۷	جمعیت‌شناختی	هرم جمعیتی کشور در سنین ۱۸-۲۴ سال
۱۸	سیاستگذاری	سیاستگذاری‌های کلان آموزش عالی (مصوبات مجمع تشخیص مصلحت و شورای عالی انقلاب فرهنگی)
۱۹		سیاستگذاری‌های خرد آموزش عالی کشور (مجلس شورای اسلامی و ...)
۲۰		اهداف آموزش عالی کشور در برنامه‌ریزی‌های پنج‌ساله توسعه کشور
۲۱		توجه به زیرنظام آموزش عالی غیردولتی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور
۲۲		گسترش دانشگاه‌های تک‌جنسیتی

جدول ۴) عوامل سطح دوم (ملی) مؤثر بر جذب دانشجو توسط خرده‌نظام غیرانتفاعی طی دوره زمانی افق ۱۴۰۴

ردیف	بُعد عامل	نام عامل
۲۳	سیاسی	رقابت جریان‌های سیاسی داخل کشور
۲۴		انسجام و همبستگی ملی
۲۵		همسویی سیاست‌های دولت با خواست‌های مردم
۲۶		تعاملات بین‌المللی ایران با سایر کشورهای جهان
۲۷	فناوری	تأثیرات فناوری‌های نوین بر آموزش عالی
۲۸	مدیریتی	کاهش تصدی‌گری دولت بر دانشگاه‌های دولتی (افزایش استقلال دانشگاه‌ها)
۲۹		کیفیت اجرای برنامه‌های مرتبط با سیاست‌های اسناد بالادستی کشور در حوزه آموزش عالی (نقشه جامع علمی کشور و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴)
۳۰		میزان تحقق اهداف و سیاست‌های کشور در حوزه آموزش عالی

جدول ۵) عوامل سطح سوم (نظام آموزش عالی کشور) مؤثر بر جذب دانشجو توسط خرده‌نظام غیرانتفاعی طی دوره زمانی افق ۱۴۰۴

ردیف	بُعد عامل	نام عامل
۱	اداری-مالی	تغییر در شیوه تخصیص بودجه به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی {از سرانه دانشجویی به شیوه‌های دیگر}
۲		تغییر در سیاست تعیین میزان و نوع شهریه‌ها و منابع درآمدی مجاز از سوی وزارتین متنوع برای دانشگاه‌های غیردولتی غیرانتفاعی
۳	آموزشی	وضعیت پردیس‌های خودگردان دانشگاه‌های دولتی
۴		تغییر در ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی
۵		تغییر در شیوه‌های پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های دولتی
۶		تغییر در میزان و شیوه پذیرش دانشجو در سایر خرده‌نظام‌های آموزش عالی کشور (علمی-کاربردی، پیام نور، آزاد، فنی-حرفه‌ای)
۷		یکپارچگی آزمون سراسری دانشگاه‌ها برای ورود به آموزش عالی در تمامی مقاطع و زیرنظام‌ها
۸		تغییر در سیاست‌های گسترش آموزش عالی (از رشد کمی به کیفی‌سازی)
۹	سیاستگذاری	تغییر در سیاست‌های حمایتی خاص وزارت علوم در سطح دانشگاه‌های دولتی
۱۰		اجرای سیاست‌های حمایتی وزارت علوم از دانشگاه‌های غیردولتی
۱۱		سیاست‌های جذب دانشجو در سایر زیرنظام‌های آموزش عالی کشور (علمی-کاربردی، پیام نور، آزاد، فنی-حرفه‌ای)
۱۲		تغییر در شیوه پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور (حذف آزمون‌های سراسری و ...)
۱۳		سیاست‌ها و اهداف برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور در حوزه آموزش عالی
۱۴		پراکندگی و ترکیب استانی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی در سطح کشور
۱۵		پراکندگی و ترکیب مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌های دولتی در سطح کشور
۱۶	۱۷	پراکندگی و ترکیب مؤسسات آموزش عالی در سایر خرده‌نظام‌های آموزش عالی (علمی-کاربردی، پیام نور، آزاد، فنی-حرفه‌ای)
۱۷		سوق دادن دانشگاه‌های جامع دولتی به سمت تحصیلات تکمیلی
۱۸	مدیریتی	تغییر در سطح مدیران اجرایی وزارت علوم
۱۹		اقدام به اصلاح زیرنظام‌های آموزش عالی کشور (علمی-کاربردی، پیام نور، آزاد، فنی-حرفه‌ای)
۲۰		وضعیت دانشگاه آزاد اسلامی
۲۱		تغییر در شرایط تأسیس مؤسسات آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی و مفاد اساسنامه‌های آنها
۲۲		اجرای طرح تجمیع مؤسسات آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی کشور
۲۳		نظارتی

جدول ۶) عوامل سطح چهارم (درونی) مؤثر بر جذب دانشجو توسط خرده‌نظام غیرانتفاعی طی دوره زمانی افق ۱۴۰۴

ردیف	بُعد عامل	نام عامل
۱	اداری-مالی	میزان درآمدها و تنوع منابع درآمدی داخلی
۲		وضعیت فضاهای کالبدی و آموزشی
۳		وضعیت امکانات، تجهیزات و آزمایشگاه‌ها
۴	آموزشی	کیفیت آموزشی
۵		ترکیب و تعداد اعضاء هیأت علمی
۶		تنوع شیوه‌های آموزش دانشجویان (حضور، مجازی، نیمه‌حضور و ...)
۷		تعداد دانشجوی موجود
۸		تعداد دانش‌آموختگان
۹		ظرفیت پذیرش اولیه (اسمی)
۱۰		میزان قبولی دانش‌آموختگان در مقاطع بالاتر
۱۱		دایر بودن مقاطع تحصیلی بالاتر در همان دانشگاه
۱۲		پذیرش دانشجوی مشترک با دانشگاه‌های معتبر خارجی
۱۳		تنوع شیوه‌های پذیرش دانشجو (با آزمون، بدون آزمون، تکمیل ظرفیت و ...)
۱۴	برنامه درسی	تنوع رشته‌ها و مقاطع تحصیلی
۱۵		تعداد و تنوع برنامه‌های آموزشی جانبی (فوق برنامه) دانشجویان (شامل کارآفرینی، مهارت‌افزایی و ...)
۱۶		نرخ خدمات جانبی آموزشی (فوق برنامه) ارائه شده از سوی دانشگاه
۱۷		امکان تحصیل در موضوعات جدید و بین رشته‌ای یا چندرشته‌ای
۱۸		وضعیت پژوهشی (کیفیت کتابخانه، تعداد و تنوع طرح‌های پژوهشی و ...)
۱۹	پژوهشی	وضعیت ارتباطات علمی بین‌المللی
۲۰		وجود پژوهشگاه‌ها، پژوهشکده‌ها و مراکز تحقیقاتی وابسته
۲۱		همکاری علمی و پژوهشی مشترک با دانشگاه‌های دولتی
۲۲	دانشجویی	کیفیت و تنوع خدمات، امکانات رفاهی و وام‌های ارائه شده به دانشجویان
۲۳		تنوع و میزان پوشش فعالیت‌های دانشجویی، فرهنگی و تربیت‌بدنی
۲۴	ساختاری	موقعیت مکانی و پوشش جغرافیایی
۲۵		وابستگی تشکیلاتی به نهادها
۲۶	-	وجود شعب در سایر استان‌ها (علاوه بر شعبه مرکزی)
۲۷	رتبه و اعتبار مؤسسه	رتبه و اعتبار مؤسسه
۲۸		وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان
۲۹	مدیریتی	کیفیت و توانایی مجموعه مدیریتی (رئیس، هیأت رئیسه و هیأت امنا)
۳۰		میزان بوروکراسی اداری در فرآیندهای علمی و آموزشی
۳۱		چگونگی تعامل با مسئولین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سازمان سنجش آموزش کشور
۳۲		هماهنگی صنفی و تشکیلاتی با سایر دانشگاه‌های غیردولتی غیرانتفاعی (عضویت در اتحادیه مؤسسات آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی)
۳۳		برخوردار بودن از مزیت نسبی در زمینه‌های خاص
۳۴		تدوین برنامه راهبردی و کلان دانشگاه

۴-۲ تحلیل کمی

۴-۱-۲ تحلیل توصیفی داده‌ها

مبنای محاسبه و مقایسه میانگین امتیازات پاسخگویان برای هر عامل، اقدام به ارزیابی شده است. جداول ۷ تا ۹ به ترتیب ده عامل برتر را از جنبه میزان اهمیت عوامل و بنا بر دیدگاه ذینفعان، سیاستگذاران و کل پاسخگویان نشان می‌دهد.

در شناسایی و توصیف مهمترین و نایقین‌ترین عوامل از دیدگاه گروه‌های پاسخگویان و همچنین کل پاسخگویان، بر

جدول ۷) ده عامل برتر از جنبه میزان اهمیت بنا بر دیدگاه ذینفعان

ردیف	نام عامل	سطح عامل	اهمیت (از ۱۰)
۱	کیفیت آموزشی	درونی	۹/۲۵
۲	رتبه و اعتبار مؤسسه	درونی	۸/۶۶
۳	جمعیت سنین ۱۸-۲۴ سال	ملی	۸/۴۳
۴	چگونگی تعامل با مسئولین وزارت متبوع	درونی	۸/۳۸
۵	سیاست‌های جذب دانشجو در سایر خرده‌نظام‌ها	نظام آموزش عالی کشور	۸/۳۵
۶	کیفیت و توانایی مجموعه مدیریتی	درونی	۸/۳۴
۷	تنوع رشته‌ها و مقاطع تحصیلی	درونی	۸/۳۴
۸	دایر بودن مقاطع تحصیلی بالاتر در همان دانشگاه	درونی	۸/۳۴
۹	اجرای سیاست‌های حمایتی از دانشگاه‌های غیرانتفاعی	نظام آموزش عالی کشور	۸/۲۹
۱۰	وضعیت دانشگاه آزاد اسلامی	نظام آموزش عالی کشور	۸/۲۳

جدول ۸) ده عامل برتر از جنبه میزان اهمیت بنا بر دیدگاه سیاستگذاران

ردیف	نام عامل	سطح عامل	اهمیت (از ۱۰)
۱	کیفیت آموزشی	درونی	۹/۱۱
۲	رتبه و اعتبار مؤسسه	درونی	۸/۸۹
۳	سیاست‌های جذب دانشجو در سایر خرده‌نظام‌ها	نظام آموزش عالی کشور	۸/۳۶
۴	تغییر در میزان و شیوه پذیرش دانشجو توسط سایر خرده‌نظام‌ها	نظام آموزش عالی کشور	۸/۳۶
۵	وضعیت بازار کار و اشتغال	ملی	۸/۳۵
۶	ترکیب و تنوع اعضای هیأت علمی	درونی	۸/۲۸
۷	وضعیت دانشگاه آزاد اسلامی	نظام آموزش عالی کشور	۸/۲۲
۸	جمعیت سنین ۱۸-۲۴ سال	ملی	۸/۱۹
۹	تغییر در سیاست‌های گسترش آموزش عالی از کمی به کیفی	نظام آموزش عالی کشور	۸/۱۱
۱۰	وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان	درونی	۸/۱۱

جدول ۹) ده عامل برتر از جنبه میزان اهمیت بنا بر دیدگاه کل پاسخگویان

ردیف	نام عامل	سطح عامل	اهمیت (از ۱۰)
۱	کیفیت آموزشی	درونی	۹/۲۱
۲	رتبه و اعتبار مؤسسه	درونی	۸/۷۳
۳	جمعیت سنین ۱۸-۲۴ سال	ملی	۸/۳۹
۴	حمایت از دانشگاه‌های دولتی	نظام آموزش عالی کشور	۸/۳۸
۵	وضعیت دانشگاه آزاد اسلامی	نظام آموزش عالی کشور	۸/۲۴
۶	توانایی مدیریت دانشگاه	درونی	۸/۲۱
۷	پذیرش دانشجو توسط سایر خرده‌نظام‌ها	نظام آموزش عالی کشور	۸/۱۹
۸	وضعیت بازار کار و اشتغال	ملی	۸/۱۷
۹	تقاضاهای ذینفعان	بین‌المللی	۸/۱۵
۱۰	سیاست‌های گسترش کیفی آموزش عالی	نظام آموزش عالی کشور	۸/۰۹

جداول ۱۰ تا ۱۲ به ترتیب ده عامل برتر را از جنبه میزان پاسخگویان نشان می‌دهد. نایقینی عوامل و بنا بر دیدگاه ذینفعان، سیاستگذاران و کل

جدول ۱۰) ده عامل برتر از جنبه میزان نایقینی بنا بر دیدگاه ذینفعان

ردیف	نام عامل	سطح عامل	اهمیت (از ۱۰)
۱	تخصیص بودجه به دانشگاه‌های دولتی	نظام آموزش عالی کشور	۷/۳۸
۲	وضعیت دانشگاه آزاد اسلامی	نظام آموزش عالی کشور	۷/۳۴
۳	وضعیت ارتباطات بین‌المللی	درونی	۷/۰۴
۴	تعداد و تنوع برنامه‌های آموزشی جانبی	درونی	۷/۰۰
۵	تغییر در شیوه تعیین شهریه	نظام آموزش عالی کشور	۶/۹۶
۶	یکپارچگی آزمون‌های سراسری	نظام آموزش عالی کشور	۶/۹۶
۷	سیاست‌های جذب دانشجوی در سایر خرده‌نظام‌ها	نظام آموزش عالی کشور	۶/۹۲
۸	اصلاح سایر خرده‌نظام‌های آموزش عالی دولتی	نظام آموزش عالی کشور	۶/۸۶
۹	وضعیت اقتصاد جهانی	بین‌المللی	۶/۸۵
۱۰	وضعیت پردیس‌های خودگردان	نظام آموزش عالی کشور	۶/۸۳

جدول ۱۱) ده عامل برتر از جنبه میزان نایقینی بنا بر دیدگاه سیاستگذاران

ردیف	نام عامل	سطح عامل	اهمیت (از ۱۰)
۱	وضعیت بازار کار و اشتغال	ملی	۸/۲۰
۲	رقابت جریان‌های سیاسی در داخل کشور	ملی	۸/۲۰
۳	وضعیت دانشگاه آزاد اسلامی	نظام آموزش عالی کشور	۸/۱۹
۴	وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان	درونی	۸/۰۰
۵	کیفیت آموزشی	درونی	۷/۹۴
۶	تغییر در سیاست‌های گسترش آموزش عالی	نظام آموزش عالی کشور	۷/۸۱
۷	حفظ و گسترش قدرت دانشگاه	بین‌المللی	۷/۴۶
۸	وضعیت اقتصادی کشور	ملی	۷/۴۰
۹	تغییر نگرش جامعه نسبت به آموزش عالی غیرانتفاعی	ملی	۷/۴۰
۱۰	ایجاد دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم	بین‌المللی	۷/۳۸

جدول ۱۲) ده عامل برتر از جنبه میزان نایقینی بنا بر دیدگاه کل پاسخگویان

ردیف	نام عامل	سطح عامل	اهمیت (از ۱۰)
۱	وضعیت دانشگاه آزاد اسلامی	نظام آموزش عالی کشور	۷/۶۷
۲	کیفیت آموزشی	درونی	۷/۲۲
۳	تغییر در سیاست‌های گسترش آموزش عالی	نظام آموزش عالی کشور	۷/۱۵
۴	وضعیت ارتباطات بین‌المللی	درونی	۷/۱۳
۵	سیاست‌های جذب دانشجوی در سایر خرده‌نظام‌ها	نظام آموزش عالی کشور	۷/۱۰
۶	وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان	درونی	۷/۰۷
۷	تغییر در شیوه تخصیص بودجه به دانشگاه‌های دولتی	نظام آموزش عالی کشور	۷/۰۰
۸	وضعیت بازار کار و اشتغال	ملی	۷/۰۰
۹	اصلاح خرده‌نظام‌های آموزش عالی	نظام آموزش عالی کشور	۶/۹۶
۱۰	توجه به نیازهای بازار کار	بین‌المللی	۶/۹۴

۴-۲-۲ تحلیل استنباطی داده‌ها

و درونی) بر مبنای دیدگاه پاسخگویان مورد ارزیابی و مقایسه قرار گرفته است.

در جداول ۱۳ و ۱۴ به ترتیب میزان اهمیت و نایقینی چهار سطح مورد بررسی (بین‌المللی، ملی، نظام آموزش عالی کشور

جدول ۱۳) مقایسه میزان اهمیت سطوح مورد بررسی

ردیف	سطح مورد بررسی	گروه پاسخگویان	میانگین اهمیت عوامل	انحراف معیار اهمیت عوامل	آماره آزمون T	سطح معنی‌داری
۱	درونی	ذینفعان	۷/۴	۱/۱	۰/۸۱۶	۰/۴۱۸
		سیاستگذاران	۷/۲	۱/۱		
		کل پاسخگویان	۷/۴	۱/۱		
۲	نظام آموزش عالی کشور	ذینفعان	۷/۶	۱/۰	۰/۱۴۰	۰/۸۸۹
		سیاستگذاران	۷/۵	۱/۱		
		کل پاسخگویان	۷/۵	۱/۰		
۳	ملی	ذینفعان	۷/۲	۱/۱	۱/۰۵۲	۰/۲۹۹
		سیاستگذاران	۶/۸	۱/۰		
		کل پاسخگویان	۷/۱	۱/۰		
۴	بین‌المللی	ذینفعان	۶/۹	۱/۲	-۱/۰۸۶	۰/۲۸۴
		سیاستگذاران	۷/۳	۱/۰		
		کل پاسخگویان	۷/۰	۱/۱		

جدول ۱۴) مقایسه میزان نایقینی سطوح مورد بررسی

ردیف	سطح مورد بررسی	گروه پاسخگویان	میانگین نایقینی عوامل	انحراف معیار نایقینی عوامل	آماره آزمون T	سطح معنی‌داری
۱	درونی	ذینفعان	۶/۳	۱/۷	۰/۵۶۱	۰/۵۷۸
		سیاستگذاران	۶/۰	۱/۱		
		کل پاسخگویان	۶/۲	۱/۵		
۲	نظام آموزش عالی کشور	ذینفعان	۶/۶	۲/۰	-۰/۰۸۳	۰/۹۳۴
		سیاستگذاران	۶/۶	۱/۳		
		کل پاسخگویان	۶/۶	۱/۸		
۳	ملی	ذینفعان	۶/۲	۱/۸	-۰/۴۵۳	۰/۶۵۴
		سیاستگذاران	۶/۴	۱/۴		
		کل پاسخگویان	۶/۳	۱/۶		
۴	بین‌المللی	ذینفعان	۶/۳	۲/۲	-۰/۸۴۵	۰/۴۰۴
		سیاستگذاران	۶/۹	۱/۴		
		کل پاسخگویان	۶/۵	۱/۹		

نکته دیگر قابل بررسی، ارزیابی و مقایسه تفاوت دیدگاه هر گروه از پاسخگویان در مورد سطوح مختلف مورد پرسش است. در واقع پرسش این است که آیا میزان اهمیت سطوح مورد بررسی و همچنین نایقینی سطوح مختلف، بنا بر دیدگاه هر گروه از پاسخگویان با یکدیگر متفاوت است یا خیر؟ برای پاسخ به این پرسش از آزمون اندازه‌گیری مکرر با ۴

تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه‌های ذینفعان و سیاستگذاران از حیث میزان اهمیت و همچنین میزان نایقینی عوامل در چهار سطح مورد بررسی وجود نداشته است. از جنبه نایقینی عوامل، پراکندگی نظرات ذینفعان در هر چهار سطح مورد بررسی بیش از سیاستگذاران بوده بدین معنا که اختلاف نظرات ذینفعان در خصوص میزان نایقینی عوامل بین خود آنها بیشتر از اختلاف نظر سیاستگذاران با یکدیگر می‌باشد.

نشان می‌دهد که سطح درونی در یک گروه و دیگر سطوح نیز همگی در یک گروه رده‌بندی می‌شوند.

تکرار استفاده شده [۳۰] که نتایج آن در جداول ۱۵ و ۱۶ آمده است.

جدول ۱۵) مقایسه میزان اهمیت سطوح مورد بررسی بنا به دیدگاه هر

گروه از پاسخگویان

ردیف	گروه پاسخگویان	درجات آزادی	میانگین مربعات	آماره آزمون F	سطح معنی‌داری
۱	ذینفعان	۱۰۰ و ۳	۲/۵۷۱	۶/۶۰۴	۰/۰۰۰
۲	سیاستگذاران	۱۰۰ و ۳	۱/۲۱۱	۲/۴۱۱	۰/۰۸۱
	کل پاسخگویان	۱۰۰ و ۳	۶/۴۱۶	۱۰/۳۵۰	۰/۰۰۳

۵- بحث و نتیجه‌گیری

۱-۵ اهمیت عوامل

از دیدگاه ذینفعان، سطوح درونی و نظام آموزش عالی کشور از اهمیت نسبی بیشتری نسبت به سایر سطوح برخوردارند (جداول ۱۳ و ۱۵). عدم تفاوت معنی‌دار نظرات ذینفعان و سیاستگذاران در مورد میزان اهمیت سطوح مختلف عوامل (جدول ۱۳)، نشان می‌دهد که برتری عوامل سطوح مورد بررسی به گروه خاصی از پاسخگویان محدود نبوده و باید به دنبال سطوح با اهمیت‌تر در دیدگاه کل پاسخگویان (جدول ۹) بود. اطلاعات جدول مذکور نشان می‌دهد عملکرد درونی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی (در قالب عوامل کیفیت آموزشی و رتبه و اعتبار مؤسسه) طی دهه آینده بیشترین اهمیت را در جذب دانشجو توسط اینگونه مؤسسات خواهد داشت.

جدول ۱۵ نشان می‌دهد که میزان اهمیت سطوح مختلف مورد بررسی، از دیدگاه ذینفعان و کل پاسخگویان هم‌ارزش نبوده ($P < 0/05$) اما میزان اهمیت سطوح مختلف از دیدگاه سیاستگذاران تفاوت معنی‌داری نداشته است. در ادامه این نتایج و به منظور رده‌بندی میزان اهمیت سطوح مورد بررسی بنا به دیدگاه ذینفعان، از آزمون‌های T زوجی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که سطوح درونی و نظام آموزش عالی کشور در یک رده و سطوح ملی و بین‌المللی نیز هر یک در رده‌ای جداگانه قرار گرفته‌اند. تفاوت میزان اهمیت سطوح عوامل حکایت از آن دارد که رده اول (شامل سطوح درونی و نظام آموزش عالی کشور) دارای بیشترین امتیاز و پس از آن سطح ملی و در رده آخر نیز سطح بین‌المللی قرار گرفته است.

جدول ۱۶) مقایسه میزان نایقینی سطوح مورد بررسی بنا به دیدگاه هر

گروه از پاسخگویان

ردیف	گروه پاسخگویان	درجات آزادی	میانگین مربعات	آماره آزمون F	سطح معنی‌داری
۱	ذینفعان	۸۰ و ۳	۰/۴۸۳	۰/۶۴۵	۰/۵۹۰
۲	سیاستگذاران	۸۰ و ۳	۲/۱۵۱	۳/۱۴۴	۰/۰۳۶
	کل پاسخگویان	۸۰ و ۳	۱/۲۷۲	۱/۷۱۴	۰/۱۶۹

دقت در ۱۰ عامل برتر از نظر میزان اهمیت‌شان در جذب دانشجو بنا به دیدگاه کل پاسخگویان (جدول ۹) نشان می‌دهد ۷ عامل از این مجموعه عوامل، به سطح درونی و نظام آموزش عالی کشور اختصاص دارد که در رأس آنها کیفیت درونی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی قرار دارد و طبعاً نیاز اصلی و همیشگی آموزش عالی کشور (در همه سطوح اعم از دولتی یا غیردولتی) است و به زمینه اصلی رقابت در جذب دانشجو در این حوزه تبدیل شده است [۳۱]. رتبه و اعتبار مؤسسات نیز در رده بعدی قرار گرفته و عامل سوم یعنی جمعیت گروه سنی ۱۸-۲۴ سال کشور که متقاضی بالفعل ورود به آموزش عالی هستند هم با آنکه از اهمیت بالایی برخوردار است اما به واسطه وجود روند نزولی در آن طی سال‌های اخیر و ادامه این روند در سال‌های آتی، وضعیت روشنی دارد [۳۲].

بر خلاف نتایج حاصله در مورد میزان اهمیت سطوح عوامل، با توجه به جدول ۱۶ میزان نایقینی سطوح عوامل از دیدگاه ذینفعان و کل پاسخگویان تفاوت معنی‌داری با یکدیگر نداشته اما این تفاوت از دیدگاه سیاستگذاران معنی‌دار شده است ($P < 0/05$). نتایج آزمون‌های T زوجی برای رده‌بندی سطوح مختلف از جنبه میزان نایقینی بنا به دیدگاه سیاستگذاران هم

چگونگی و میزان حمایت وزارت متبوع از دانشگاه‌های دولتی، وضعیت دانشگاه آزاد اسلامی، میزان پذیرش دانشجو در سایر خرده‌نظام‌های آموزش عالی و تداوم سیاست گسترش کیفی آموزش عالی در درجه‌های بعدی اهمیت قرار گرفته‌اند. همگی این عوامل در حوزه سیاستگذاری وزارت

ارزش‌گذاری واقع شده اما تفاوت نظرات پاسخگویان مشهودتر از ارزش‌گذاری مشابه برای اهمیت عوامل است. این نتیجه‌گیری عیناً به تفکیک گروه ذینفعان و سیاستگذاران نیز تکرار شده است.

بررسی میانگین عدم قطعیت عوامل چهار سطح مورد بررسی از دیدگاه کل پاسخگویان نشان می‌دهد از بین ده عامل ذکرشده، سطح نظام آموزش عالی کشور با ۵ عامل بیشترین سهم را دارد (جدول ۱۲). پاسخگویان در مجموع، وضعیت دانشگاه آزاد اسلامی را دارای بیشترین عدم قطعیت طی ده سال آینده دانسته‌اند و پس از آن کیفیت آموزشی دانشگاه‌ها و مؤسسات غیرانتفاعی در رتبه دوم قرار دارد. در گروه سیاستگذاران، وضعیت بازار کار و اشتغال بیشترین عدم قطعیت را طی ده سال آینده خواهد داشت.^۱ در مقابل در گروه ذینفعان، وضعیت تخصیص بودجه دولت به دانشگاه‌های دولتی، عاملی با بیشترین عدم قطعیت عنوان شده است.

نکته دیگر آن است که عامل دارای بیشترین عدم قطعیت از نظر هر گروه از پاسخگویان (ذینفعان یا سیاستگذاران)، در بین ده عامل با بیشترین عدم قطعیت گروه دیگر پاسخگویان قرار نداشته است. این نکته نشان‌دهنده تفاوت بارز طرز تفکر دو گروه پاسخگویان و ناشی از جایگاه متفاوت آنها در نظام آموزش عالی کشور است. سیاستگذاران بیشترین عوامل دارای عدم قطعیت را در سطوح ملی دنبال نموده‌اند در حالی که ذینفعان، این عوامل نایقین را در نظام آموزش عالی کشور جستجو کرده‌اند. دیدگاه حاکم بر ذینفعان در خرده‌نظام غیرانتفاعی بیشتر نگرانی آنها را از وضعیت آتی رقا در جذب دانشجو منعکس می‌کند. وجود عواملی مانند وضعیت دانشگاه آزاد اسلامی، سیاست‌های جذب دانشجو در سایر خرده‌نظام‌ها، اصلاح سایر خرده‌نظام‌های آموزش عالی دولتی و وضعیت پردیس‌های خودگردان، حکایت از عمق این نگرانی دارد که به نوعی غلبه ماهیت انتفاعی بر مسائل بنیادی را نشان می‌دهد. در مقابل از دیدگاه سیاستگذاران، بیشتر به مسائل کلان کشور، مانند وضعیت بازار کار و اشتغال، وضعیت اقتصادی کشور، حفظ و گسترش قدرت دانشگاه و

متبوع قرار می‌گیرند. دانشگاه‌های دولتی، آزاد اسلامی و سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات در خرده‌نظام‌های دیگر آموزش عالی رقبای دانشگاه‌ها و مؤسسات غیرانتفاعی در جذب دانشجو هستند. علاوه بر سیاست گسترش کیفی آموزش عالی، سیاست کمی انقباضی یا انبساطی وزارت در سایر خرده‌نظام‌ها بر تغییر وضعیت مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی در زمینه جذب دانشجو تأثیر ویژه‌ای خواهد داشت. سیاست‌های اخیر وزارت در این زمینه شامل تأکید بر مأموریت‌گرا شدن خرده‌نظام‌های بخش دولتی آموزش عالی، تداوم گسترش کیفی و محدودسازی گسترش کمی، تلاش در جهت الزام دانشگاه آزاد اسلامی به تأیید رشته‌های تحصیلی خود (به ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی) در شورای گسترش آموزش عالی و از سوی دیگر لزوم نیازسنجی بازار کار و اشتغال، تقویت ارتباط دانشگاه‌ها با صنعت، توجه به توانمندسازی دانش‌آموختگان و ...، همگی از جمله راهبردهایی است که انتظار می‌رود تداوم آنها در کنار تلاش برای ارتقاء کیفیت آموزشی و اعتبار علمی، فضای رقابت سالم در جذب دانشجو را برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی طی افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ فراهم کند.

۵-۲ عدم قطعیت عوامل

با آنکه از دیدگاه ذینفعان، عدم قطعیت در سطح عوامل مرتبط با نظام آموزش عالی کشور امتیاز بالاتری بیشتری نسبت به سطوح دیگر دارد (جدول ۱۴) اما آزمون‌های آماری تفاوت معنی‌داری را بین سطوح نشان نمی‌دهند (جدول ۱۶). در مقابل، این تفاوت از دیدگاه سیاستگذاران معنی‌دار بوده و نشان می‌دهد که سطح عوامل بین‌المللی بیشترین عدم قطعیت را دارند. در مورد کل پاسخگویان نیز تفاوت معنی‌داری بین سطوح عوامل در میزان نایقینی مشاهده نشده است (جدول ۱۶).

در مقایسه میزان نایقینی (عدم قطعیت) و اهمیت سطوح عوامل از دیدگاه کل پاسخگویان، امتیازات شاخص اهمیت عوامل به طور معنی‌داری از امتیاز عدم قطعیت آنها بیشتر است. همچنین میزان پراکندگی امتیازات در میزان عدم قطعیت نسبت به میزان اهمیت برای همان سطوح بیشتر بوده است (جدول ۱۳ و ۱۴). به عبارت دیگر، نظرات پاسخگویان در خصوص عدم قطعیت عوامل با امتیاز کمتری مورد

۱- پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد تا سال ۱۴۰۰ با نرخ خوش‌بینانه رشد اقتصادی سالانه ۵٪، نرخ بیکاری تحصیل‌کردگان عالی کشور از ۲۳٪ کنونی به ۳۶٪ افزایش خواهد یافت [۳۳].

قطعیت منطقی به نظر می‌رسد. این دانشگاه در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ با داشتن یک سوم کل ثبت‌نام‌های انجام‌شده در دانشگاه‌های کشور، بیشترین سهم را در بین خرده‌نظام‌های آموزش عالی داشته است [۶]. هم‌زمان با این مسأله، روند کاهشی تعداد متقاضیان ورود به آموزش عالی کشور طی دهه آینده نیز ادامه خواهد داشت. در این فضای رقابتی، کیفیت آموزشی دانشگاه‌ها و مؤسسات غیرانتفاعی خود به عنوان دومین عامل نایقینی مطرح شده است. عامل سوم نایقینی، تداوم سیاست گسترش کیفی و محدودیت گسترش کمی از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است که می‌تواند زمینه رقابت کیفی بین خرده‌نظام‌های مختلف آموزش عالی را فراهم کند.

۶- پیشنهادها

ترکیب عوامل برتر از نظر اهمیت و عدم قطعیت، می‌تواند گزینه‌های متفاوتی را پیش روی آینده خرده‌نظام آموزش عالی غیرانتفاعی قرار دهد. این گزینه‌ها می‌تواند با تدوین سناریوهای متفاوت برای این مسأله طی افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ بررسی شود. همچنین به منظور بهبود وضعیت کیفی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، الزامات و راهبردهای مورد نیاز در دو سطح خرد و کلان پیشنهاد می‌شود. راهبردهای سطح خرد مجموعه راهبردهایی با قابلیت پیاده‌سازی در خرده‌نظام آموزش عالی غیرانتفاعی را نشان می‌دهد. مجریان این راهبردها هر دو گروه ذینفعان و سیاستگذاران آموزش عالی غیرانتفاعی خواهند بود. راهبردهای سطح خرد عبارتند از:

۱. رصد مداوم کیفیت دانشگاه‌های غیرانتفاعی بدون خوداظهاری و با برنامه‌ریزی تدابیر نظارتی مناسب
۲. اجرای سالانه نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی از سوی وزارت متبوع
۳. انجام ارزیابی‌های درونی و بیرونی در گروه‌های آموزشی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی
۴. توجه سیستم مدیریتی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی به مسأله کیفیت آموزشی به عنوان مهمترین معیار تداوم فعالیت در نظام آموزش عالی کشور

اشتغال دانش‌آموختگان اشاره شده که منعکس‌کننده دیدگاه‌هایی واقع‌بینانه و کارشناسی‌تر نسبت به مسائل آموزش عالی کشور است.

با این وجود، فصل مشترک دیدگاه‌های دو گروه آن است که هر گروه از پاسخگویان، عوامل سطح بالاتر تصمیم‌گیری را که خارج از کنترل آنها هستند سبب بروز نایقینی می‌دانند. ذینفعان، سطح نظام آموزش عالی (که نماینده اصلی اجرای تصمیمات و سیاست‌های آن، وزارت متبوع است) و سیاستگذاران، سطح ملی (سیاستگذاری‌های کلان) را دارای بیشترین عدم قطعیت در آینده دانسته‌اند. البته فرض ضروری در این نتیجه‌گیری آن است که مجریان و سیاستگذاران خرد، خود را ملزم به رعایت مصوبات سیاستگذاری‌های کلان کشور بدانند.

ذینفعان و سیاستگذاران آموزش عالی غیرانتفاعی کشور، مهمترین عوامل مؤثر بر جذب دانشجوی طی افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ را در درون این خرده‌نظام مشخص کرده‌اند. کیفیت آموزشی مؤسسات و رتبه و اعتبار آنها که خود لازم و ملزوم یکدیگرند به عنوان مهمترین عوامل در مجموع ۱۰۳ عامل بیان‌شده انتخاب شده‌اند. هماهنگی دو گروه پاسخگویان در این رده‌بندی نشان می‌دهد در نهایت آنچه سبب جذب دانشجوی در این نوع دانشگاه‌ها خواهد بود ریشه در عملکرد درونی و مسأله کیفیت آموزشی آنها دارد. لذا ضروری است که این نوع مؤسسات از هم‌اکنون سعی در برنامه‌ریزی عملیاتی برای ارتقاء کیفیت آموزشی خود نمایند. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های جمشیدی [۱۶]، کامیلری [۲۱]، آراسته و اسفندیاری [۲۵] و توفیقی، فراستخواه و همکاران [۲۷] هماهنگی دارد.

پرسش مهمی که بی‌درنگ مطرح خواهد شد آن است که آیا قطعیت نیل به وضعیت مطلوب برای این مؤسسات در زمینه جذب دانشجوی، با بسیج امکانات و تدوین برنامه‌های عملیاتی جهت ارتقاء کیفیت آموزشی، تضمین‌پذیر است؟ سهم سایر خرده‌نظام‌های آموزش عالی طی دهه آینده از دانشجویان متقاضی ورود به آموزش عالی به چه میزان خواهد بود؟

برای پاسخ به این پرسش، بررسی میزان عدم قطعیت عوامل انجام شده است. انتخاب وضعیت دانشگاه آزاد اسلامی از سوی تمامی پاسخگویان به عنوان عاملی با بیشترین عدم

References

منابع

- [۱] معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری. (۱۳۸۹). متن کامل قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴)، ماده ۱۸ فصل دوم بند ح، و بند ۴ ماده ۷، شماره ۲۴۶۶۹۸.
- [۲] مجمع تشخیص مصلحت نظام. (۱۳۸۲). سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، بند ۱۷ اقدامات ملی راهبرد کلان ۶.
- [۳] نقشه جامع علمی کشور، (۱۳۹۲). مجموعه اسناد شورای عالی انقلاب فرهنگی، کد ۲۱۳۶۳۳.
- [۴] سازمان سنجش آموزش کشور، (۱۳۹۳). دفترچه شماره ۲ راهنمای انتخاب رشته آزمون سراسری سال ۱۳۹۴.
- [۵] قویدل، صالح؛ فرجادی، غلامعلی؛ رازقی، حسین؛ بدیعی، حسین. (۱۳۹۱). برآورد تقاضای آموزش عالی برای دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد در افق ۱۴۰۴. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۶۲، ۴۳-۶۸.
- [۶] مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، گروه پژوهش‌های آماری و فناوری اطلاعات. (۱۳۹۴). آمار آموزش عالی ایران در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۹۳.
- [۷] آهون‌منش، علی. (۱۳۹۳). نقل از خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، کد خبر ۹۳۰۴۲۳۱۳۱۷۸.
- [۸] آهون‌منش، علی. (۱۳۹۴). نقل از خبرگزاری دانا، کد خبر ۱۱۹۶۸۲۸.
- [۹] روشن، احمدرضا. (۱۳۸۹). بهینه‌سازی ظرفیت پذیرش دانشجویان در دانشگاه‌های دولتی ایران. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۸، ۹۷-۱۱۵.
- [10] Cekerol, K. (2012). The demand for higher education in Turkey and open education. TOJET: The Turkish Online Journal of Educational Technology, 11(3).
- [11] Bruckmeier, K., & Wigger, B. U. (2014). The effects of tuition fees on transition from high school to university in Germany. Economics of Education Review, 41, 14-23.
- [12] Levy, D. (2008). Indian private H. E. in comparative perspective. Prophe working paper series, WP no. 13.
- [13] Abbott, M. (2005). Private H. E. penetration into a mature education market. Prophe working paper series, WP no. 6.
- [14] Rabossi, M. (2010). Universities and Fields of Study in Argentina: A Public-Private Comparison from the Supply and Demand Side. PROPHE Working Paper Series. WP No. 15. Program for Research on Private Higher Education.
- [15] Puchuashuili, M. (2007). Changing patterns of private-public growth and decline. Prophe working paper series, WP no. 10.
- [16] Jamshidi, L., Arasteh, H., Nave ebrahim, A., Zeinabadi, H., Rasmosen, P. R. (2012). Development patterns of privatization in H. E., a comparative study. H. E. , vol 64, 789-803.

۵. راه‌اندازی دوره‌های مهارتی و توانمندسازی ویژه دانشجویان
۶. روزآمدسازی برنامه‌های درسی با توجه به نیازهای بازار کار
۷. انعقاد قراردادهای و تفاهم‌نامه‌های آموزشی و پژوهشی با دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی معتبر خارج
۸. ایجاد مزیت نسبی خاص و برند آموزشی در زمینه‌های علمی و پژوهشی ویژه
- راهبردهای سطح کلان به آن دسته از راهبردها اشاره دارند که اعمال آنها در نظام آموزش عالی نیاز به مداخلات سیاستگذاران دارد. این راهبردها عبارتند از:
۱. تداوم و تقویت سیاست کاهش رشد کمی و افزایش رشد کیفی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور
۲. اجرای سیاست مأموریت‌گرا نمودن خرده‌نظام‌های مختلف نظام آموزش عالی کشور
۳. ایجاد زمینه رقابت کیفی بین مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیردولتی
۴. حمایت از خصوصی‌سازی آموزش عالی و زمینه‌سازی رشد کیفی آن از طریق ایجاد بسترهای قانونی و حقوقی مناسب
۵. ایجاد زمینه استقلال دانشگاهی در خرده‌نظام‌های متفاوت آموزش عالی در امور داخلی و آئین‌نامه‌های آموزشی
۶. توجه ویژه به بین‌المللی کردن آموزش عالی ایران و ارتقاء زمینه جذب دانشجوی خارجی در دانشگاه‌ها
۷. توجه به کارآفرینی و زمینه‌سازی ایجاد دانشگاه‌های نسل سوم

تقدیر و تشکر

از تمامی صاحب‌نظران و مطلعین کلیدی آموزش عالی کشور که با ارائه نظرات ارزشمند خویش امکان تحقق این بررسی را فراهم نمودند سپاسگذاری و قدردانی می‌کنیم.

این بررسی به شماره ۹۴/۵۸۴۸/ش د مورخ ۹۴/۳/۲۷ مورد حمایت معاونت پژوهشی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد. قدردانی ویژه خود را بابت حمایت‌های مرجع مذکور اعلام می‌داریم.

[۲۶] ربیعی، علی؛ نظریان، زهرا. (۱۳۹۰). بررسی مشکلات واکگذاری دانشگاه‌ها به بخش خصوصی و تدوین راهکارهایی جهت رفع آنها. همایش ملی خصوصی‌سازی در ایران.

[۲۷] توفیقی، جعفر؛ فراستخواه، مقصود و همکاران. (۱۳۹۳). بررسی، آسیب‌شناسی و طراحی الگوی مطلوب اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در توسعه آموزش عالی ایران. دبیرخانه توسعه علوم بین‌رشته‌ای، مجمع علمی ممیزی توسعه علوم، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری.

[۲۸] نصر، احمدرضا؛ عریضی سامانی، حمیدرضا؛ ابوالقاسمی، محمود؛ پاک‌سرشت، محمدجعفر؛ کیامنش، علیرضا؛ باقری، خسرو؛ خیر، محمد؛ شهنی ییلاق، منیجه؛ خسروی، زهره. (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

[۲۹] بازرگان، عباس. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته. تهران: نشر دیدار، چاپ دوم.

[30] Montgomery, D. (2013). Design and Analysis of Experiments, 8th Edition International Student Version. New York: Wiley publications.

[۳۱] یمنی‌دوزی سرخابی، محمد. (۱۳۹۱). کیفیت در آموزش عالی. تهران: انتشارات سمت، فصل پنجم.

[۳۲] مشفق، محمود؛ حسینی، قربان. (۱۳۹۱). آینده‌پژوهی تغییرات جمعیتی ایران طی دوره ۱۳۹۰ الی ۱۴۲۰. معرفت فرهنگی اجتماعی، سال چهارم، شماره اول، ۲۱-۴۲.

[۳۳] مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی، (۱۳۹۴). عرضه و تقاضای نیروی کار در ایران، وضعیت موجود و چشم‌انداز آتی. گزارش شماره ۱۴۴۰۲.

[17] Holzhaecker, D., Chornoivan, O., Yazilitas, D., Dayan-ochir, KH. (2009). Privatization in H. E.: cross-country analysis of trends, policies, problems and solutions, IHEP.

[18] Sagrera, F. L. (2010). Trends and innovations in H. E. Reform: worldwide, Latin America and in the Caribbean. Center for studies in H. E. Research & occasional paper series: CSHE. Berkely: University of California.

[19] Dewin, Z. (2013). The development trend of the non-governmental H. E. in china. ACTA universities danubius, vol. 7, no. 2.

[20] Levy, D. (2010). The decline of private H. E.. Available at: www. albany. edu/~prophe & Working paper no. 16.

[21] Camilleri, A. E. (2008). The risks of privatization of H. E.. SSU H. E. conference.

[22] Prophanomtripong, P. (2008). Inside Thai private H. E.: exploring private growth in international central. Prophe working paper series, WP no. 12.

[۲۳] اسدی، فاطمه؛ تابان، محمد؛ صفری کهره، محمد. (۱۳۹۲). "تجزیه و تحلیل وضعیت راهبردی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی در ایران. نشریه مدیریت بازرگانی، دوره ۵، شماره ۳، ۱۹-۳۸.

[۲۴] جمشیدی، لاله؛ نوه‌ابراهیم، عبدالرحیم. (۱۳۹۲). توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران، الزامات و پیش‌بایست‌های خرد. دوفصلنامه نوآوری و ارزش‌آفرینی، شماره ۱(۳)، ۶۵-۸۸.

[۲۵] آراسته، حمیدرضا؛ اسفندیاری، توران. (۱۳۸۹). خصوصی‌سازی در آموزش عالی. فصلنامه نشاء علم، سال اول، شماره اول. ۱۱.